

تغییر تابعیت شرکتهای تجارتي در حقوق ایران

رضا مقصودی*

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان

حسین داودی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۶/۱۴)

چکیده

یکی از حقوق توأم با مقررات آمره اشخاص حقیقی، جواز تغییر تابعیت آنهاست. به موجب ماده ۵۸۸ قانون تجارت، شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است؛ مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، مانند حقوق و وظایف ابوت و بنوت. در قوانین موضوعه ایران قانون‌گذار برخلاف اشخاص حقیقی هیچ نص قانونی را به طور عام در خصوص تغییر تابعیت اشخاص حقوقی و به ویژه شرکت‌های تجارتي اختصاص نداده است و صرفاً در خصوص شرکت‌های با مسئولیت محدود و شرکت‌های سهامی به طور خاص به بیان تغییر تابعیت در این شرکت‌ها پرداخته است. با توجه به اینکه حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی به اشخاص حقوقی تعمیم یافته است همچنین با توجه به اوصاف خاص مسائل مربوط به تابعیت که توأم با مقررات امری است و نیز نصوص قانونی در زمینه تغییر تابعیت شرکت‌های تجارتي در ایران بسیار محدود است و سرانجام با توجه به اینکه مقررات موضوعه در خصوص تشریفات تغییر تابعیت اشخاص حقوقی متضمن حکم خاصی نیست، داشتن یا نداشتن جواز تغییر تابعیت درباره شرکت‌های تجارتي، و در صورت جواز، نحوه انجام آن در حقوق ایران مبهم است و در این مقاله سعی در پرداختن به آن شده است. در حقوق تطبیقی، این مسئله با عنوان حرکت فرامرزی شرکت‌ها به بحث گذاشته شده و در اساسنامه اتحادیه اروپا آزادی تأسیس شرکت‌ها به عنوان یک اصل پذیرفته شده و ممنوعیت تغییر تابعیت یا پذیرش تابعیت جدید که در قوانین سنتی برخی از کشورهای اروپایی بوده، به موجب اساسنامه یادشده تعدیل یافته است؛ اما در حقوق ایران آمره بودن آن قوی‌تر به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی

اشخاص حقوقی، اصل ۸۱ قانون اساسی، تابعیت، نظم عمومی.

۱. مقدمه

مسئله تابعیت شرکت‌های تجارتي در حقوق ایران همواره محل اختلاف بوده است و حتی تعیین تابعیت شرکت‌های تجارتي به استناد مواد ۵۹۰ و ۵۹۱ قانون تجارت و ماده ۱ قانون ثبت شرکت‌ها، موضوع اختلاف حقوق دانان است. در خصوص تغییر تابعیت شرکت‌های تجارتي نیز از یک طرف ماده ۹۴ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ش مقرر داشته است: «هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد» و به موجب ماده ۱۱۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ش: «شرکاء نمی‌توانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء». از طرف دیگر در حقوق ایران درباره تغییر تابعیت شخص حقوقی حکمی کلی دیده نمی‌شود و قانون‌گذار تشریفات تغییر تابعیت شرکت‌ها را برخلاف اشخاص حقیقی در هیچ‌یک از قوانین پیش‌بینی نکرده است. با وجود اینکه تغییر تابعیت از مقررات آمره بوده و نحوه انجام آن تابع مقررات پیش‌بینی شده از سوی قانون‌گذار است، در این خصوص عده‌ای از حقوق دانان معتقدند که تغییر تابعیت شرکت‌های تجارتي با توافق تمام شرکا مقدور است. از طرفی نمی‌توان پذیرفت که تغییر تابعیت اشخاص صرفاً با اراده آن‌ها صورت پذیرد؛ چرا که دارای توابع فاسدی خواهد بود و اشخاص حقوقی می‌توانند با تغییر تابعیت خود از شمول قوانین مضر به حال خود فرار کنند و باب تقلب نسبت به قانون که پیشینه طولانی در حقوق بین‌الملل خصوصی دارد، باز خواهد شد. لذا نخست، پرسش اساسی این است که آیا در شرکت‌های تجارتي با سکوت قانون‌گذار اصل بر جواز تغییر تابعیت می‌باشد یا برعکس اصل بر عدم جواز تغییر تابعیت شرکت‌های تجارتي است؟ در صورت تأیید جواز تغییر تابعیت شرکت‌های تجارتي، شخص حقوقی می‌تواند ضمن حفظ وجود خویش، خود را از تابعیت یک کشور به تابعیت کشور دیگری درآورد، و این امر در حقوق ایران مستلزم این است که در دایره ثبت شرکت‌ها یا اداره ثبت شرکت‌ها تغییر تابعیت شرکت ایرانی به شرکت خارجی به ثبت رسد. ثبت شرکت خارجی در ایران و ادامه فعالیت آن نیز همراه با موانعی است که تحلیل این موانع با پاسخ به تغییر تابعیت در کشور ایران و ثبت آن مرتبط است. بحث در خصوص تابعیت شرکت‌های تجارتي و تغییر آن موضوع این مقاله است.

۲. ماهیت تابعیت

بحث در زمینه تغییر تابعیت در آغاز، نیازمند شناخت ماهیت آن است و شناخت ماهیت یادشده و ارکان به وجود آورنده آن در بررسی تغییر آن مؤثر است. در خصوص ماهیت تابعیت نظریات متعددی ارائه شده است. از سوی برخی از اندیشمندان حقوق نقل شده است که برخی تابعیت را رابطه قراردادی و عقد تابعیت را از عقود جایز می‌شمارند و معتقدند به

مقتضای طبیعت عقد جایز هرکدام از طرفین (دولت، تبعه) می توانند هر زمان که بخواهند آن را فسخ و رابطه تابعیت را برهم زنند (نصیری، ۱۳۲۷، ص ۴۷). از دیوان عالی کشور ایران نقل شده است که «تابعیت، وصف و در عین حال رابطه حقوقی خاصی است که شخص را با دولت به مفهوم جامعه سیاسی مرتبط می سازد و جزء عناصر و اوصاف ایجادکننده حالت یا به تعبیر دیگری موقعیت فرد در اجتماع قرار می گیرد» (ارفع نیا، ۱۳۸۲، ص ۵۰). در نهایت، با بررسی تابعیت از سوی نویسندگان حقوقی، تابعیت رابطه ای سیاسی، حقوقی، اجتماعی و معنوی میان شخص و دولت عنوان شده که این رابطه به وجود آورنده حقوق و تکالیف میان طرفین است (آدکجاف، ۱۳۸۸، ص ۵۰). به هر حال تابعیت هر رابطه ای باشد با وجود قواعد آمره متعدد حاکم بر آن، نمی تواند به مثابه عقد جایزی تلقی شود که به وسیله اراده هریک از طرفین قابل فسخ باشد و دولت ها جدایی از این رابطه را مشروط به شرایطی نموده اند. در این باره، یکی از استادان حقوق بین الملل خصوصی معتقد است: «... امروزه مسلم است که تابعیت قرارداد نیست تا تبعه بتواند آنرا فسخ نماید. شخصی که تابعیت تولدی دارد آنرا در قرارداد به دست نیآورده است بلکه صرفاً یک تصمیم مطلق العنان مقنن است که تابعیت را بر او تحمیل می کند و همان مقنن می تواند شرایطی را برای ترک تابعیت معین نماید...» (نصیری، ۱۳۷۲، ص ۴۸).

۳. مفهوم تابعیت در شرکت های تجاری

اگرچه از نظر بیشتر حقوق دانان (نصیری، ۱۳۷۲، ص ۲۶) تابعیت عبارت از رابطه سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می سازد، اما تابعیت شرکت های تجاری را نمی توان دقیقاً مشابه تابعیت اشخاص حقیقی دانست. از نظر حقوق دانان «شرکت یک موجود مادی است و تابعیت او از جنس تابعیت اشخاص نیست. جستجوی تابعیت شرکت چیزی جز این نیست که ببینیم شرکت با چه نظام حقوقی ملی ارتباط دارد. به دیگر سخن، مسئله در تعیین تابعیت شرکت این است که تشکیل، حیات و انحلال شرکت تابع چه قانونی است و حقوق او با توجه به چه قانونی تعیین می شود» (اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۹۹). تعیین تابعیت برای شرکت های تجاری صرفاً برای تعیین مسئولیت ها و تکالیف و حقوق اشخاص یاد شده است و تعلق خاطر معنوی که بین یک فرد با کشور خاصی می تواند برقرار شود، در شرکت های تجاری قابل تصور نیست و در خصوص اشخاص حقوقی نمی توان تابعیت را تعیین کننده حقوقی مانند حق رای، حق انتخاب شدن به مشاغل خاص، انجام خدمت نظام وظیفه و مسائلی از این دست دانست. درباره اشخاص یاد شده این مسائل سالبه به انتفای موضوع است، ولی دلایلی برای ضرورت تعیین تابعیت شرکت های تجاری مطرح شده است؛ از جمله:

الف) تابعیت شرکت مشخص می‌کند که آیا تشکیل، طرز کار یا انحلال شرکت به موجب قانون کشور متبوع صحیح است یا خیر، زیرا این نکته عموماً پذیرفته شده که اعتبار شرکت و طرز فعالیت و انحلال آن تابع قانون کشور متبوع شرکت است.

ب) در بسیاری از موارد، قانون‌گذار داخلی امتیازاتی برای اتباع یک کشور در نظر می‌گیرد که در صورتی به شرکت‌ها و اشخاص حقوقی واقع در کشور مورد نظر تسری می‌یابد که این اشخاص و شرکت‌ها تابعیت آن کشور را داشته باشند.

ج) دولت‌ها در صورتی مجاز به حمایت سیاسی از یک شرکت هستند که آن شرکت تابعیت آن‌ها را داشته باشد.

د) از نظر مالیاتی هرگاه شرکت‌های خارجی به موجب کنوانسیون یا قانون داخلی از پرداخت بعضی مالیات‌ها معاف باشند، تعیین این نکته که شرکت داخلی است یا خارجی دارای اهمیت خواهد بود.

ه) در بیشتر کشورها، شرکت‌های خارجی در صورتی می‌توانند فعالیت اقتصادی داشته باشند که به آن‌ها جواز مخصوص داده شود که اتباع داخلی اصولاً از اخذ آن معاف هستند.

و) هرگاه شرکتی خارجی تلقی شود، مقررات ارزی در انتقال ارز به خارج از کشور محل اقامت شرکت، برای آن شرکت آسان‌تر خواهد بود. در برخی از تعاریف خارجی نیز درباره تابعیت شرکت‌ها آمده است: «تابعیت رابطه‌ای است سیاسی که شرکت را به دولتی مرتبط می‌کند و تکالیف شرکت را تعیین می‌نماید» (DrTatjana Jevremović Petrović, 2013, p.5).

۴. تعیین تابعیت شرکت‌های تجاری در حقوق ایران

معمولاً تابعیت شرکت به موجب قوانین بیشتر کشورها از طریق محل ثبت آن مشخص می‌شود (Talbot, 2008, p.35). اصول تابعیت در کشور ما در جلد دوم قانونی مدنی در کتاب دوم از مواد ۹۷۶ تا ۹۹۲ آمده است. در خصوص شرکت‌های تجاری نیز ماده ۱ قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ ش مقرر می‌دارد: «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است» و از طرفی به موجب ماده ۵۹۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ ش: «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است» و به موجب ماده ۵۹۰ قانون یادشده: «اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است». لذا عملاً بین دو نص یادشده تعارض وجود دارد؛ به این صورت که قانون ثبت شرکت‌ها که اختصاص به ثبت شرکت دارد و نه دیگر اشخاص حقوقی، برای اینکه شرکتی ایرانی شمرده شود، دو شرط را لازم دانسته است: شرط اول تشکیل شرکت در ایران، و شرط

دوم وجود مرکز اصلی شرکت در ایران. ولی به موجب ماده ۵۹۱ قانون تجارت که اعم از شرکت های تجاری و مؤسسات غیرتجاری است، صرف وجود اقامتگاه شرکت (اداره شخص حقوقی) در کشور ایران را برای ایرانی بودن آن کافی دانسته است. در تفسیر این تعارض دو نظر متفاوت ارائه شده است؛ به این صورت که یکی از استادان حقوق تجارت ایران معتقد است: «چون قانون تجارت بعد از قانون ثبت شرکت ها تصویب شده است، قانون تجارت را باید ناسخ قانون ثبت شرکت ها تلقی کرد» (اسکینی، ۱۳۷۹، ص ۶۴) و بعضی دیگر (ستوده و تهرانی، ۱۳۸۰، ص ۲۰) حاکمیت قانون ثبت شرکت ها را پذیرفته اند. همچنین به نظر برخی (دمیرچیلی، ۱۳۸۰، ص ۵۹۱) چون موضوع ماده ۵۹۱ قانون تجارت «اشخاص حقوقی» اعم از اشخاص حقوقی خصوصی و حقوقی عمومی است و ماده ۱ قانون ثبت شرکت ها فقط درباره شرکت ها است و قانون عام لاحق ناسخ خاص سابق نیست؛ پس در این خصوص قانون ثبت شرکت ها حاکم است. بر مبنای این نظر شاید بتوان گفت قانون ثبت شرکت ها فقط درباره تعیین تابعیت شرکت های ایرانی است، ولی ماده ۵۹۱ متضمن قاعده حل تعارض است. به عبارت دیگر، از نظر قواعد حل تعارض ایران، اشخاص حقوقی تبعه کشوری شمرده می شوند که اقامتگاه (مرکز اداری) آن ها در آن کشور باشد. به نظر می رسد که خاص بودن مقررات قانون ثبت شرکت ها دلیل موجهی برای تعیین تابعیت شرکت ها باشد. همچنین در تفسیر تعارض یادشده میان قانون تجارت و قانون ثبت شرکت ها گفته شده است: «...اگر قاضی ایرانی بخواهد معلوم کند که شرکت ایرانی است یا خارجی باید به ماده یک قانون ثبت شرکت ها رجوع کند، ولی اگر بخواهد به تعیین تابعیت شرکتی مبادرت کند که غیر ایرانی است، باید به قانون تجارت رجوع کند...» (اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۹۹). در کشورهای مختلف روش های متفاوتی از جمله اقامتگاه واقعی، محل تأسیس شرکت، مرکز عملیات شرکت، محلی که شرکت از آنجا کنترل می شود به عنوان معیار تعیین تابعیت شرکت ها پذیرفته شده است^۱. البته در خصوص هر کدام از این معیارها و ارکان تعاریف متفاوتی ارائه شده که بحث از آن خارج از موضوع این مقاله است.

۵. آثار تغییر تابعیت

مهم ترین دلیلی که اهمیت تغییر تابعیت را برجسته تر می کند، آثاری است که بر تغییر تابعیت بار می شود. در بیشتر کشورها، شرکت های خارجی از حقوق و آزادی های کمتری نسبت به شرکت های داخلی برخوردارند؛ هر چند در برخی از کشورها، مانند انگلیس، داشتن رفتار مساوی با شرکت های خارجی ادعا شده است (young, 2014, p.170) و کشورهای عضو اتحادیه

1. Real seat, Place of incorporation, Centre of exploitation, Place from where company is being controlled

اروپا نیز به موجب ماده ۴۸ اساسنامه تأسیس اتحادیه اروپا، مکلف به رفتار مساوی با شرکت‌های عضو این اتحادیه شده‌اند (Vossestein, 2010, p.47). اما در واقع کشورها همیشه به دلایل سیاسی و اقتصادی در صدد حمایت بیشتر از اتباع خود بوده‌اند و این امر در عمل رفتار نامساوی را در پی داشته است. رفتار تبعیض‌آمیز نه تنها میان شرکت‌های داخلی و خارجی وجود دارد، بلکه حتی این گونه رفتارها با برخی شرکت‌های خارجی به نسبت برخی دیگر به دلایلی شدیدتر است. یکی از ملموس‌ترین تبعیض‌ها، در موضوع تحریم کشورهای خارجی است که عملاً در این شرایط تحریم کشوری به تحریم شرکت‌های متبوع کشور موضوع تحریم نیز منجر می‌شود و حتی کشورها در این خصوص ملاک‌های حقوقی تابعیت را نادیده گرفته، با توجه به دیدگاه خود، شرکتی را که متبوع کشور موضوع تحریم می‌دانند، تحریم می‌کنند. در تغییر تابعیت، شرکت از تکالیف و حقوق جدیدی که تابعیت جدید برای آن به‌ارمغان می‌آورد، بهره‌مند می‌شود و از نظر تشکیل، فعالیت، انحلال، قانون حاکم، برخورداری از امتیاز اتباع داخلی، مقررات مربوط به اداره، حقوق مربوط به طرح دعوا در محاکم آن کشور و... پیرو تابعیت جدید خواهد شد. از طرف دیگر، محدودیت‌های حاکم بر اتباع داخلی و تکالیف ناظر بر اتباع داخلی نیز به شرکت تحمیل خواهد شد؛ از جمله تکالیف مالیاتی و گمرکی. لذا تابعیت در شرکت‌های تجاری محور حقوق و تکالیفی است که با تغییر آن، حقوق و تکالیف نیز تغییر می‌یابند.

۶. مجوزهای تغییر تابعیت در حقوق ایران

بر اساس این دیدگاه که تابعیت شرکت‌های تجاری قابلیت تغییر دارد، دلایل و قراینی به شرح زیر موجود است.

۶.۱. اصل جواز یا اباحه و آزادی اراده‌ها

بر اساس اصل جواز یا اباحه که از اصول پذیرفته شده در فقه و اصول است، تا زمانی که منعی از ناحیه شارع نرسیده باشد، انجام و ترک هر فعلی مباح است. امر تغییر تابعیت شرکت‌ها نیز در قوانین ایران منع نشده، بلکه به گونه‌ای تأیید شده است. یکی از حقوق دانان از این اباحه به عنوان قاعده کلی قابلیت تغییر تابعیت با تصمیم همگی شرکا یاد کرده است (اسکینی، ۱۳۸۱، ص ۱۶). همچنین از آنجایی که اداره شرکت تابع اراده شرکا می‌باشد، این اراده می‌تواند به استناد آزادی اراده، هر عمل حقوقی را انجام دهد. تغییر تابعیت نیز یک امر مربوط به اداره شرکت بوده و تابع این اصل است. همان‌گونه که بیان شد، برخی از اندیشمندان حقوق بین‌الملل خصوصی تابعیت را رابطه قراردادی و عقد تابعیت را از عقود جایز می‌شمارند و بر این باورند

که به مقتضای طبیعت عقد جایز، هرکدام از طرفین (دولت، تبعه) می توانند هر زمان که بخواهند آن را فسخ و رابطه تابعیت را برهم زنند. همچنین در اصل پانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است «...۲. کسی را نمی توان خودسرانه از تابعیتش یا حق تغییر تابعیت محروم ساخت...».

۶.۲. نصوص قانونی

در قانون تجارت در برخی از مواد به موضوع تغییر تابعیت شرکت ها اشاره هایی شده است. قانون گذار برای تغییر تابعیت شرکت بامسئولیت محدود اتفاق نظر همه شرکا را در ماده ۱۱۰ قانون تجارت شرط کرده است؛ چنان که ماده مزبور مقرر نموده است: «شرکاء نمی توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء». در این باره می توان گفت، بیان شرط برای تحقق امری جایز و مباح از طرف قانون گذار صورت می گیرد؛ و گرنه برای امور ممنوع که اصل آن ممنوع است، مشروط نمودن آن، امری غیرعقلایی است که از قانون گذار بعید است. پس با عنایت به اینکه قانون گذار تغییر تابعیت را مشروط بر توافق نظر همه شرکا دانسته، در آغاز اصل تغییر تابعیت را پذیرا شده و آن را در تقدیر گرفته و سپس شرایط آن را اعلام کرده است؛ لذا ماده ۱۱۰ قانون تجارت تأیید ضمنی قابلیت تغییر تابعیت است. از طرف دیگر، در مخالفت با استدلال یادشده در خصوص ماده ۱۱۰ ق.ت. گفته شده است: «...باید گفت حکمی که در ماده ۱۱۰ قانون تجارت دیده می شود حکمی استثنایی است و در حقوق ایران اصل بر غیرقابل تغییر بودن تابعیت اینگونه اشخاص می باشد...» (سلجوقی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۴).

همچنین به موجب ماده ۹۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقرر شده است: «هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید». در تفسیر این ماده، یکی از نویسندگان معتقد است این حکم قانونی به معنای منع تغییر تابعیت نیست، بلکه تغییر تابعیت به تراضی تمام سهام داران در شرکت های سهامی امکان پذیر است. به نظر ایشان «... مفهوم این ماده این است که نمی توان صرفاً با تشکیل مجمع عمومی تابعیت شرکت را تغییر داد؛ اما به این معنا نیست که همه شرکای شرکت نتوانند تابعیت شرکت را تغییر دهند» (اسکینی، همان). در تأیید این نظر می توان گفت که قانون گذار در مقام بیان، اصل تغییر تابعیت را ممنوع نکرده است، بلکه در بخش ۵ لایحه قانونی و در مبحث مربوط به مجامع عمومی در تحدید صلاحیت مجامع عمومی حکم یادشده را تقریر نموده است.

۷. موانع تغییر تابعیت

در مقابل دلایل مطرح شده برای جواز تغییر تابعیت شرکت‌ها در حقوق ایران، دلایل دیگری در نفی این جواز قابل استناد است.

۱.۷. نظم عمومی

تابعیت اشخاص از مسائل مربوط به نظم عمومی است و به همین دلیل در قوانین کشورها تغییر آن به وجود شرایط خاصی وابسته شده است. لذا در این باره نمی‌توان به اصل اباحه استناد نمود و اصل اباحه نیز با اصول خاصی مثل نظم عمومی محدود می‌شود. تابعیت تعیین‌کننده برخی تکالیف اشخاص است. اشخاص مکلف‌اند به کشور متبوع خود مالیات پردازند، لذا تغییر تابعیت می‌تواند به فرار از انجام این تکالیف منجر شود. همچنین تغییر تابعیت را نمی‌توان با اعمال حقوقی دیگری مثل عقود و ایقاعات مقایسه، و بر آن اصل آزادی اراده‌ها را نیز بار کرد. در قوانین کشورهای مختلف، تغییر تابعیت با وضع قوانین آمره محدود به شرایطی شده است. به نظر برخی از حقوق‌دانان، استناد به حاکمیت مطلق اراده در تغییر تابعیت به تنهایی قابل پذیرش نیست. علت این نظر این‌گونه بیان شده: «... زیرا تغییر تابعیت مشروط بر این است که اولاً؛ شخص قادر باشد، تابعیت فعلی خود را از دست بدهد و ثانیاً؛ اینکه بتواند تابعیت جدیدی را به دست بیاورد، اراده اعمال نمی‌شود مگر در قلمرو این دو شرط، بنابراین اراده تنها در درخواست تغییر تابعیت دخالت دارد و بس...» (نصیری، همان). امر تابعیت به حاکمیت ملی مربوط است و اشخاص نمی‌توانند تابعیت خود را برای حفظ منفعت خویش و فرار از مقررات کشوری تغییر دهند.

از منظر دیگر نیز اهمیت تابعیت شرکت‌های تجاری را می‌توان در نظر گرفت؛ برای مثال تابعیت، مالکیت و کنترل شرکت‌های مهم و اقتصادی برای کشورها دارای اهمیت است. کشورها نمی‌پذیرند فعالیت‌های مهم نظامی و اقتصادی آن‌ها به وسیله شرکت‌های خارجی انجام شود و آن را مخالف نظم عمومی خود می‌دانند؛ برای نمونه، کنترل شرکت‌های نفتی، تلویزیون، روزنامه‌ها، شرکت‌های تولیدکننده تسلیحات نظامی از سوی شرکت‌های دارای تابعیت عراق، روسیه، افریقای جنوبی و... در کشور امریکا، دقیقاً مرتبط با نظم عمومی این کشور دانسته شده است (Stephen s cohen, 1990, p. 8).

۲.۷. لزوم اجازه گرفتن از هیئت وزیران

از آنجایی که شرکت‌های تجاری در بهره‌مندی از حقوق مدنی با اشخاص حقیقی مقایسه می‌شوند و قانون مدنی ایران برای خروج از تابعیت ایران در کنار دیگر شرایط، موافقت هیئت

وزیران را شرط کرده و در ماده ۹۸۸ مقرر داشته است: «اتباع ایرانی نمی‌توانند تابعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل... ۲- هیأت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد...»؛ لذا در فرض پذیرش قابلیت تغییر تابعیت شرکت های تجاری، هیچ دلیلی برای استثنای شرکت های تجاری از این تکلیف قانونی وجود ندارد.

۳.۷. لزوم ترک خاک ایران از سوی تبعه خارج شده از تابعیت ایرانی

قانون مدنی اشخاصی را که تابعیت ایرانی خود را تغییر داده، تابعیت خارجی کسب می‌کنند، ملزم به انتقال اموال غیرمنقول خود به اتباع ایرانی و خروج از خاک ایران می‌نماید. در این خصوص در تبصره الف ماده ۹۹۸ قانون یادشده مقرر شده است: «کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند... باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود. تمدید مهلت مقرر فوق حداکثر تا یک سال موقوف به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد». چنانچه شرایط تغییر تابعیت اشخاص حقیقی را در خصوص اشخاص حقوقی نیز جاری بدانیم، در صورت تغییر تابعیت شرکت های تجاری بر اساس تبصره یادشده، شرکت های تجاری تغییر تابعیت یافته، ملزم به خروج از کشور ایران خواهند بود. لذا شرکت تجاری تغییر تابعیت داده در خاک ایران قابل تصور نبوده و معنای خروج از تابعیت ایران مترادف با خروج از کشور ایران است که این امر به ختم حیات حقوقی (انحلال) شرکت تجاری در کشور ایران منتج می‌شود. در تأیید این نظر در خصوص تغییر تابعیت اشخاص حقوقی گفته شده است: «... اگر این نکته در نظر گرفته شود که هستی اینگونه اشخاص اعتباری و بسته به قانون کشوری است که برای آنها شخصیت حقوقی قایل گردیده، اگر آن قانون این تغییر را جایز نشناخته باشد اقدام به آن موجب از میان رفتن شخصیتی می‌گردد که آن قانون برای آنها شناخته است و در نتیجه باید گفت این تصمیم اگر بدون مجوز قانونی باشد، موجب انحلال شخص حقوقی می‌گردد...» (سلجوقی، همان).

۴.۷. اصل هشتاد و یکم قانون اساسی

به موجب اصل هشتاد و یکم قانون اساسی: «دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن به خارجیان مطلقاً ممنوع است». شاید در ظاهر، مسئله دادن امتیاز تشکیل شرکت تجاری به خارجیان ارتباطی به تغییر تابعیت نداشته باشد، چراکه اشخاص مؤسس شرکت تجاری دارای تابعیت ایران نیز می‌توانند به تغییر تابعیت شرکت ایرانی به شرکت خارجی اقدام نمایند و در این خصوص اصلاً امتیازی به هیچ شخص خارجی

برای تشکیل شرکت تجاری داده نشده است. ولی در واقع با پذیرش تغییر تابعیت شرکت ایرانی به شرکت خارجی، آنچه اتفاق افتاده، دادن امتیاز تشکیل شرکت تجاری به شخص حقوقی خارجی است. چه تفاوتی است میان اینکه شخص حقوقی خارجی در ایران شرکت تجاری تأسیس کند یا شخص ایرانی شرکتی با تابعیت خارجی تأسیس نماید؛ در هر دو حالت، شخص حقوقی با تابعیت خارجی به وجود آمده، که حقوق و تکالیف آن به وسیله یک قانون خارجی تعیین می‌شود و شخص یادشده تکالیف خود را در مقابل آن کشور انجام می‌دهد. این اصل مانع هرگونه فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران خواهد بود. مطابق تفسیر شورای نگهبان از اصل یادشده، شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد کرده‌اند، می‌توانند برای انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قرارداد منعقد و طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند. لذا به موجب تفسیر یادشده، ثبت شعب شرکت‌های خارجی صرفاً محدود به شرکت‌هایی است که با دستگاه‌های دولتی قرارداد قانونی منعقد کرده‌اند و مفهوم مخالف آن، مجاز بودن ثبت شعبه دیگر شرکت‌های خارجی است. از طرفی به موجب قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی در شرکت‌های خارجی مصوب ۷۶/۸/۲۱ مقرر شده است: «شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، می‌توانند در زمینه‌هایی که از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند...» و همچنین آیین‌نامه اجرایی این قانون مصوب ۱۱ فروردین ۱۳۷۸ برای ثبت شعبه‌ها و نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی در ایران با حساسیت خاصی برخورد کرده است؛ برای مثال به موجب ماده ۷ و ۸ آیین‌نامه یادشده، شعبه‌ها و نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی موظف به ارائه گزارش‌های مالی به دستگاه‌های مربوطه بوده، اداره امور شعب یا نمایندگی‌های پیش‌گفته باید از سوی یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران انجام گیرد؛ از طرف دیگر در قانون ثبت شرکت‌ها و نیز نظام‌نامه اجرای قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ش، مقرراتی در خصوص لزوم ثبت شرکت خارجی وجود دارد. ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها مقرر کرده است: «از تاریخ اجرای این قانون هر شرکت خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجاری یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد». در صدر ماده ۵ نظام‌نامه یادشده نیز مقرر شده: «برای ثبت هر شرکت خارجی تقدیم اسناد ذیل لازم است» و سرانجام در ماده ۱۴ نظام‌نامه پیش‌گفته آمده است: «در دائره ثبت شرکت‌ها دفتر مخصوصی برای ثبت شرکت‌های خارجی خواهد بود و شرکت‌های مزبور باید در این دفتر به ترتیب تقاضا و در تحت نمره ترتیبی ثبت شوند»، ولی با

توجه به مقررات یادشده ثبت خود شرکت خارجی مجاز دانسته شده و با قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی مصوب ۱۳۷۶ش به نوعی متعارض است. برخی در این خصوص معتقدند: «... در قانون ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی و آیین نامه خارجی آن نه تنها به نحوه ثبت خود شرکت خارجی اشاره ای نشده است، بلکه هیچگونه دفتر مخصوصی برای ثبت شعبه یا نمایندگی شناخته نشده است. عدم پیش بینی دفتر مخصوص این نظر را تقویت می نماید که مقررات سال ۱۳۱۰ مورد نسخ ضمنی واقع نشده است؛ زیرا اگر بر نسخ مقررات مزبور قائل گردیم، دیگر هیچ دفتری برای ثبت شرکت های خارجی وجود نخواهد داشت...» (آتشی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰). ولی این نظر را با توجه به سابقه قانون گذاری و تغییر رویکرد فعالیت اتباع خارجی در کشور ایران بعد از انقلاب نمی توان پذیرفت؛ چراکه در صورت بی اعتقادی به نسخ مقررات مربوط به ثبت شرکت های خارجی در حقوق ایران، چه ضرورتی به تصویب قانون جدید در این خصوص بوده است. از آنجایی که پس از انقلاب اسلامی ایران با تصویب اصل ۸۱ قانون اساسی فعالیت تجاری اتباع خارجی ممنوع اعلام شد، شبهه داشتن یا نداشتن جواز فعالیت شرکت های خارجی مطرح گردید و در پاسخ به پرسش رئیس جمهور وقت (شهید رجایی)، شورای نگهبان به شرحی که بیان شد، فعالیت شعب شرکت های خارجی را تحت شرایطی مغایر با اصل ۸۱ ندانست و در پی آن، قانون مجوز ثبت شعب یا نمایندگی شرکت های خارجی را در سال ۱۳۷۶ صادر کرد که این قانون هم با پیش بینی جواز ثبت شعبه یا نمایندگی در خصوص ثبت خود شرکت خارجی، در مقام بیان، سکوت نمود. لذا این سابقه قانون گذاری تردیدی در ذهن باقی نمی گذارد که ثبت شرکت خارجی ممنوع است و مانع موجود در ثبت و فعالیت شرکت های خارجی که در اصل ۸۱ قانون اساسی برقرار شده، باقی بوده و به موجب نظریه شورای نگهبان و قانون ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی نیز صرفاً شعبه و یا نمایندگی مجاز دانسته شده است و لزوم ارائه مدارک مربوط به خود شرکت برای ثبت شعبه آن - با وجود شرایط مقرر در قانون - و حتی ضرورت ثبت خود شرکت در کشور متبوعش برای مقدمه ثبت شعبه آن، دلیل بر جواز ثبت شرکت های خارجی در ایران نیست. لذا با توجه به قانون گذاری یادشده، ثبت شعبه شرکت خارجی در ایران به شرایطی از جمله معامله متقابل وابسته گردیده و به طریق اولی نمی توان پذیرفت که تغییر تابعیت شرکت ایرانی و تبدیل آن به شرکت خارجی در ایران بدون وجود شرایط یادشده مجاز باشد.

۸. تغییر تابعیت شرکت ها در حقوق تطبیقی

در حقوق خارجی دیدگاه یکسانی در خصوص تغییر تابعیت شرکت ها وجود ندارد. معمولاً در حقوق سنتی بیشتر کشورها تغییر تابعیت ممنوع اعلام شده و در برخی از کشورها نیز تغییر

تابعیت همراه با تغییر اقامتگاه واقعی و تغییر محل تأسیس شرکت^۱ صورت می‌گیرد که در این صورت تغییر تابعیت نیازمند موافقت تمام کشورهای ذی‌نفع است (DrTatjana Jevremović Petrović,ibid) و تغییر تابعیت شرکت در موارد مجاز نیز بیشتر همراه با تأسیس دوباره شرکت در کشوری که تحصیل تابعیت آن مد نظر بوده، پذیرفته شده است که این نوع تغییرات نیز در کشورهای چوچون آلمان و استرالیا با سخت‌گیری‌های شدیدی روبرو شده است و در کشور آلمان قانون سنتی شرکت‌های این کشور هرگونه نقل و انتقالی را ممنوع می‌ساخت، اما پس از تصویب اساسنامه اتحادیه اروپا از سال ۱۹۵۴م این امر به تدریج در خصوص کشورهای منطقه اقتصادی اروپا پذیرفته شد و با انعقاد معاهده دوستی با کشور آمریکا در خصوص شرکت‌های این کشور نیز مجاز شد. همچنین از سال ۲۰۰۸م پس از اصلاح قانون شرکت‌های آلمان، امکان انتقال مرکز مدیریت شرکت آلمانی بدون انحلال شرکت پذیرفته شد (Carl Von, 2012, p.3) هرچند گرایش قوانین مدرن شرکت‌ها در جهت پذیرش تغییر تابعیت با تغییر اقامتگاه واقعی است، در کشور پرتغال تغییر اقامتگاه در این شرایط نیازمند موافقت سه چهارم دارندگان سرمایه شرکت و ثبت انتقال اقامتگاه و موافقت با انتقال از طرف کشور منتقل‌الیه است. کشور انگلیس و هلند تغییر محل ثبت را در این موارد نپذیرفته و در کشور ایتالیا نیز تغییر آن به پذیرش کشورهای مرتبط وابسته شده است. اما در مواد ۵۲ و ۵۸ اساسنامه تشکیل اتحادیه اروپا^۳ امکان تغییر اقامتگاه شرکت‌های کشورهای عضو به هریک از اعضای دیگر پذیرفته شده است و ایجاد هرگونه مانع در جهت تشکیل و انتقال هر شخص حقوقی از جمله شرکت‌ها به دیگر اعضا ممنوع شده است. دیوان دادگستری اروپایی^۴ به موجب آرای متعددی معیارهای گسترده‌ای را در تأیید انتقال شرکت‌ها در قلمرو اتحادیه پذیرفته است؛ از جمله این مکانیزم‌ها ادغام فرامرزی^۵ شرکت‌هاست که طی آن شرکتی که می‌خواهد به خارج منتقل شود، نخست یک شرکت در کشور خارجی تأسیس می‌کند و سپس شرکت موجود را با شرکت جدید ادغام نموده، در نهایت شرکت سابق را در کشور اول تصفیه می‌کند. اما آرای دیگری که دیوان دادگستری اروپایی صادر نمود، روش‌های ساده‌تری را پذیرفت که بر اساس آن انتقال شرکت^۶ به کشور خارجی بدون نیاز به ضرورت تشکیل شعبه در کشور مقصد یا ادغام شرکت تأیید شد. در این مکانیزم‌ها شرکت می‌تواند با انتقال محل اداره یا محل فعالیت خود به کشور خارجی، تابعیت خود را تغییر دهد و توصیه شده است که مجلس اتحادیه اروپا راه‌های

1. Change of real seat or incorporation

2. http://www.ab.gov.tr/files/ardb/evt/1_avrupa_birligi/1_3_antlasmalar/1_3_1_kurucu_antlasmalar/1957_treaty_establishing_eec.pdf

3. establishing the European Economic Community Treaty, 1975

4. The European Court of Justice (ECJ)

5. cross-border merges

6. cross-border transfer

ساده تری را هم پیش بینی کند (hannigan, 2012, p.3). بر اساس یک رای از دیوان دادگستری اروپایی در پذیرش انتقال شرکت ثبت شده در یک کشور به کشور دیگر، مقرر گردید کشورها باید با شرکت های خارجی رفتاری معادل رفتار با شرکت های داخلی خود را داشته باشند. این امر با عنوان ادغام و حرکت فرامرزی^۱ شرکت ها، در قوانین و دستورالعمل های بعدی پیش بینی شده است؛ البته مشروط بر اینکه حرکت فرامرزی موجب نقض حقوق سهام داران، طلبکاران و کارکنان آن شرکت نشود (GERVEN, STORM, 2008, p.6). در پرونده یاد شده^۲، دیوان عالی کشور مجارستان ثبت یک شرکت را که در ایتالیا تأسیس و در سال ۲۰۰۰م به ثبت رسیده بود و به دنبال آن در سال ۲۰۰۶م در کشور ایتالیا از لیست شرکت های ثبت شده خارج شده بود و با مشارکت شخص دیگری تقاضای ثبت آن در کشور مجارستان مطرح گردید، به این علت که مقررات کشور مجارستان در تأسیس آن رعایت نشده بود و نیز ثبت شرکت خارجی در مجارستان از طریق انتقال مرکز ثبت شرکت به مجارستان در قوانین این کشور پذیرفته نشده، باطل اعلام کرده است. دیوان دادگستری اروپایی در خصوص این رای مقرر نمود: رای یاد شده مخالف اصل تساوی و آزادی تأسیس شرکت ها است (Cameron, 2012, p. 50). دیوان دادگستری اروپایی در آرای متعددی این موضع را اتخاذ کرده است (Carsten Frost, 2005, p.4). از جمله این پرونده ها، پرونده معروف به سویک^۳ است. در سال ۲۰۰۵م دیوان دادگستری اروپایی رای صادر نمود که یک رای خلاقانه بود. این رای همه شرکت ها را قادر ساخت در سطح اتحادیه اروپا تحرکات فرامرزی داشته باشند. در این پرونده، کشور آلمان ادغام یک شرکت لوکزامبورگی را با یک شرکت آلمانی نپذیرفت؛ به این دلیل که ادغام حتما می بایست بین دو شرکت آلمانی صورت بگیرد، دیوان دادگستری اروپایی استدلال کرد چنین موردی مشابه حرکت فرامرزی شرکت هاست و نپذیرفتن این ادغام به معنای نقض آزادی تأسیس است (hannigan, 2012, p.34). با وجود اینکه دیوان دادگستری اروپایی باعث شده است قانون گذاران کشورهای اروپایی اصلاحاتی را در قوانین تابعیت و انتقال شرکت های خود انجام دهند، کشورهای اروپایی در پذیرش قابلیت انتقال شرکت ها با احتیاط عمل می کنند و موضوع مالیات مانع مهمی در جهت این انتقال شمرده می شود و فشارهای رقابتی باعث شده است دایره این اصلاحات مضیق شود؛ حتی دیوان دادگستری اروپایی نیز قلمرو دکتترین اقامتگاه واقعی را محدود کرده است (WILLIAM W. BRATTON, ERIK P.M. VERMEULEN, JOSEPH A.) (MCCAHERY, 2008, p.10). در دستورالعمل شماره (۲۰۱۲) ۲/۷۴۰ اتحادیه اروپا در بند ۴ با عنوان بهبود ساختار عملیات مرزی شرکت های اتحادیه اروپا، آمده است: «قانون شرکت های

1. Cross-border transfer, cross-border Mergers
 2. ECJ Judgment in Case C-378/10, VALE Építési Kft
 3. Case C-411/03, SEVIC Systems AG ('SEVIC').

اروپایی جزء لاینفک بازار داخلی است. آن آزادی تشکیل شرکت‌ها برای ارتقاء اطمینان قانونی عملیات آنها را تسهیل می‌نماید. بوسیله آن رشد و رقابت شرکت‌ها حمایت می‌شود» و در بندهای فرعی آن پیش‌بینی شده است که در حال حاضر کشورها تغییر محل ثبت شرکت را بدون اینکه شرکت شخصیت خود را از دست بدهد، اجاره نمی‌دهند و صرفاً تعداد محدودی از کشورها آن را بدون پیچیدگی مجاز ساخته‌اند و ضمن اذعان به فایده اقتصادی آن، پیش‌بینی سازوکارهایی را در این باره ضروری دانسته، هرگونه ابتکار عمل در این زمینه را در آینده نیازمند زیرساختی با داده‌های اقتصادی قوی و ارزیابی کاملی از نیاز واقعی و عملی و قوانین مورد استفاده اروپایی در انتقال اقامتگاه می‌دانند. در نتیجه‌گیری از این بند آمده است: «از سال ۲۰۱۳، کمیسیون رایزنی عمومی و هدفمندی را جهت به‌روزرسانی ارزیابی فشرده امکان ابتکاری انتقال مرزی دفتر ثبت‌شده به کار خواهد بست... سپس کمیسیون تناسب قانونگذاری ابتکاری را مورد رسیدگی قرار خواهد داد» (COMMISSION. Brussels, XXX COM, 2012,) (740/2).

۹. نتیجه

مقررات مربوط به تابعیت از قواعد آمره بوده و اشخاص، از جمله اشخاص حقوقی، در تغییر آن دارای اختیار مطلق نیستند و فرض قرارداد جایز بودن آن نیز امروزه قابل پذیرش نیست و حتی می‌توان در تغییر تابعیت با عنایت به آمره بودن قواعد آن، اصل را بر عدم جواز تغییر آن گذاشت و تا زمانی که از سوی قانون‌گذار جوازی در خصوص آن صادر نشود، تغییر آن ممکن نیست. با در نظر گرفتن سابقه قانون‌گذاری در کشور ایران به این نتیجه می‌رسیم که مستندات تغییر تابعیت شرکت‌های تجاری (ماده ۱۱۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و ماده ۹۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ش) مربوط به پیش از انقلاب اسلامی است، و با تصویب قانون اساسی کشور ایران پس از انقلاب اسلامی، به‌ویژه اصل هشتم و یکم قانون یادشده که بر مبنای نفی بیگانه‌پرستی و کوتاه نمودن دست خارجی‌ان از منابع ملی کشور ایران و نفی سلطه خارجی‌ان تهیه و تصویب شده بود، حضور اشخاص خارجی در تجارت ایران محدود گردیده است. از طرفی، تغییر تابعیت شرکت تجاری از تابعیت ایرانی به تابعیت دیگر، معنایی جز حضور شخص خارجی در تجارت ایران ندارد. با تصویب قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی در شرکت‌های خارجی مصوب ۷۶/۸/۲۱، قانون‌گذار ثبت شعب شرکت‌های خارجی را به رعایت شرایطی از جمله معامله متقابل وابسته نموده و هیچ مجوزی برای ثبت و تشکیل شرکت خارجی در ایران صادر نکرده است. همچنین هیچ‌گونه تشریفات در خصوص نحوه تغییر تابعیت شرکت‌های تجاری از سوی قانون‌گذار پیش‌بینی نشده است و

مواد ۱۱۰ قانون تجارت و ۹۴ لایحه قانونی را می توان به این صورت تفسیر نمود که تعیین اتفاق آرا برای تغییر تابعیت صرفاً یکی از شروط لازمه است و نه شرط کافی. لذا در حال حاضر نمی توان پذیرفت که تنها با اتفاق آرای شرکای یک شرکت تجاری تابعیت آن شرکت قابل تغییر باشد، بلکه به نظر می رسد برای تحقق هدف تغییر تابعیت یک شرکت، تغییر عملی تابعیت نیز ضرورت دارد که این امر با خروج از خاک ایران (تبصره «الف» ماده ۹۸۸ قانون مدنی) منجر به انحلال آن در کشور ایران و تأسیس دوباره آن بر اساس مقررات کشور متبوع جدید و البته در خارج از کشور ایران می شود. در نتیجه اگر تمام شرکای یک شرکت تجاری ایرانی به اتفاق آرا تصمیم بر تغییر تابعیت شرکت یادشده بگیرند و بدون خروج از کشور ایران و انتقال و تأسیس در کشور متبوع جدید (تغییر عملی تابعیت) در کشور ایران ادامه فعالیت بدهند، این تصمیم را نباید واجد اثر حقوقی دانست و شرکت یادشده را شرکتی خارجی تلقی کرد. همچنان که یک شخص حقیقی نیز به صرف تصمیم خود نمی تواند مدعی داشتن تابعیت خارجی باشد؛ چراکه به موجب قانون ثبت شرکت ها هر شرکتی که در ایران تأسیس و مرکز اصلی آن نیز در ایران باشد، ایرانی تلقی می شود و صرف تصمیم شرکا تابعیت ارائه شده قانونی آن را منتفی نمی کند. تغییر تابعیت و اخذ تابعیت جدید مستلزم ترک تابعیت اول است و شرکتی که در ایران ثبت شده و مرکز اصلی آن ایران است، برای ترک تابعیت خود نیاز به لغو ثبت و انتقال مرکز اصلی دارد و این امر معنایی جز انحلال ندارد. در فرضی هم که در کشوری تغییر تابعیت شرکت های تجاری ممنوع نباشد و تشریفات آن پیش بینی شده باشد؛ به این معنا که شرکت تجاری بدون لزوم خروج از خاک کشور متبوع اول و با فعالیت در کشور یادشده تابعیت کشور دیگر را به دست آورد، تصمیم شرکا صرفاً یکی از شروط تغییر تابعیت تلقی می شود و موافقت کشور متبوع اول در خروج شرکت از تابعیت آن و پذیرش وی از طرف کشوری که در صدد به دست آوردن تابعیت آن است، از بدیهیات می باشد. با لحاظ موارد پیش گفته، پیش بینی تغییر تابعیت در قوانین موضوعه امری ضروری بوده و موضع قانون گذار در این زمینه بسیار مبهم است و شایسته نیست قانون تجارت که باید قانونی مترقی و روشن باشد، امری به این مهمی را در ابهام و اجمال گذارد. در اساسنامه اتحادیه اروپا، اصلی با عنوان اصل آزادی تأسیس شرکت ها و رفتار برابر با شرکت های خارجی و داخلی پیش بینی شده است که در آن، مسئله تغییر تابعیت شرکت ها با عنوان انتقال و تحرک فرامرزی شرکت ها مطرح شده که موضوعی بسیار مهم و جدی شمرده می شود. مکانیزم های مختلفی در دیوان دادگستری اروپایی در خصوص تغییر تابعیت شرکت های تجاری تأیید شده است؛ البته در اصلاحات قوانین داخلی کشورهای اروپایی، در راستای دستورالعمل های اتحادیه اروپا در خصوص تغییر تابعیت شرکت ها، هرگونه تغییر قانونی در این باره با احتیاط پذیرفته شده است

و حتی دستورالعمل جدید کمیسیون اتحادیه اروپا نیز هرگونه ابتکاری را در این زمینه به بررسی دقیق داده‌های اقتصادی و قوانین کشورهای اروپایی وابسته کرده است. به نظر می‌رسد با توجه به تأثیرات اقتصادی تغییر تابعیت شرکت‌ها، بتوان پذیرفت که تغییر تابعیت در شرکت‌ها بسیار مهم‌تر از تغییر تابعیت اشخاص است و پذیرش اباحه و آزادی در این باره با توجه به سوابق قانونی موجود در ایران و ماهیت آن امکان‌پذیر نیست.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آتشی گلستان، مرجان (۱۳۸۸). شرکتهای خارجی در حقوق ایران. تهران، انتشارات بهنامی.
۲. آل‌کجباف، حسین (۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل خصوصی ۱. تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳. ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۸۲). حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران، انتشارات بهتاب.
۴. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۱). حقوق تجارت. جلد ۱، ۲. تهران، انتشارات سمت.
۵. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۸). تعیین تابعیت شرکت‌های تجاری در حقوق تطبیقی و حقوق بین‌الملل. اندیشه‌های حقوق خصوصی، شماره ۱۴.
۶. دمیرچیلی، محمد و دیگران (۱۳۸۰). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران، انتشارات میثاق عدالت.
۷. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۰). حقوق تجارت. جلد اول، تهران، انتشارات دادگستر.
۸. سلجوقی، محمود (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل خصوصی. جلد اول، تهران، انتشارات میزان.
۹. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰). حقوق تجارت بین‌الملل. تهران، انتشارات سمت.
۱۰. نصیری، محمد (۱۳۷۲). حقوق بین‌الملل خصوصی. جلد اول و دوم، تهران، انتشارات آگاه.

ب) خارجی

11. Brenda Hannigan (2012), **Company Law**, oxford university press, united kingdom.
12. Council Directive (EC). COMMISSION. (2012) “**Brussels, XXX COM**” 740/2.
13. CMS Cameron McKennaAnikóKircsi.(2012) “**Transfer of company seat across EU states. European Union**”, Hungary. <http://www.lexology.com>.
14. DIRK VAN GERVEN, PAUL STORM,(2008), **The European Company** , VOLUME II, Cambridge University Press.
15. HYPERLINK "http://www.cambridge.org/ir/academic/subjects/law/corporate-law/foreign-companies-and-other-corporations?format=PB"/1"bookPeople"E. Hilton Young,(2014) **Foreign Companies and Other Corporations**, Cambridge University Press.
16. G.J.Vossestein,(2010) **Modernization of European Company Law and Corporate Governance: Some Considerations on Its Legal Limits**, Kluwer Law International, Netherlands.
17. Tatjana Jevremović “**Petrović. Cross-border transfer of a company’s seat**”.
18. Karl Von Hase.(2012) “**Cross-border transfer of a company’s seat**”. Companies and company law on the move German approach Comment <http://www.internationallawoffice.com>.
19. Stephen s Cohen.(1990) “ **Corporate nationality can matter a lot**”. Working paper44. University of California Berkeley
20. Talbot, Lorraine,(2008) **critical company law**, Routledge –Cavendish press ,uk
21. “Treaty establishing the European Economic Community” http://www.ab.gov.tr/files/ardb/evt/1_avrupa_birligi/1_3_antlasmalar/1_3_1_kurucu_antlasmalar/1957_treaty_establishing_eec.pdf

-
22. Carsten Frost.(2005) “**TRANSFER OF COMPANY'S SEAT – AN UNFOLDING STORY IN EUROPE**”. Submitted as part of the LLM programme at Victoria University of Wellington. EU COMPANY LAW. vol, 36 VUWLR
23. WILLIAM W. BRATTON, ERIK P.M. VERMEULEN, JOSEPH A. MCCAHERY, (2008)“**How Does Corporate Mobility Affect Lawmaking? A Comparative Analysis**”. Law Working Paper N° 91/2008. European Corporate Governance Institute (ECGI) Law Working Paper No. 91/2008. Social Science Research Network at: <http://ssrn.com/abstract=1086667>.